

➤ دسته دوم روایات مجوزه

■ هشت) روایات حنان بن سریر:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَمَعَنَا فَرَقْدُ الْحَجَّامُ - إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ لَهُ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ - إِنَّ لِي تَيْسًا أَكْرِيهِ فَمَا تَقُولُ فِي كَسْبِهِ - قَالَ كُلُّ كَسْبِهِ فَإِنَّهُ لَكَ حَلَالٌ وَالنَّاسُ يَكْرَهُونَهُ - قَالَ حَنَانٌ قُلْتُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَكْرَهُونَهُ وَهُوَ حَلَالٌ - قَالَ لِنَعْيِيرِ النَّاسِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا»^۱

ترجمه:

«از حضرت پرسید: من بز نری دارم که کرایه اش می دهم، درباره این کسب چه می فرمائید؟ حضرت فرمود: کسب او را بخور، برای تو حلال است در حالیکه مردم آن را مکروه می شمارند. حنان پرسید چرا مردم آن را مکروه می شمارند در حالیکه حلال است؟ حضرت فرمود چون برخی از مردم، یکدیگر را عیب می کنند.»

نه) صحیحہ معاویہ بن عمار:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَجْرُ التُّيُوسِ - قَالَ إِنْ كَانَتْ الْعَرَبُ لَتَعَايِرُ بِهِ وَلَا بَأْسَ»^۲

سند:

محمد بن اسماعیل، مکنی به ابوالحسن، نیشابوری است و با لقب «ندفر» شناخته می شده است. وی شیخ کلینی بوده و پیش از هزار و هفتصد روایت در کتب اربعه و وسائل از او نقل شده است. وی را به صراحت توثیق نکرده اند ولی کثرت حدیث او می تواند شاهی بر وثاقتش باشد. اما در هر صورت سند دیگر روایت، صحیحہ است.

ترجمه:

«از حضرت پرسیدم درباره اجرت تیوس (جمع تیس: بز نر) حضرت فرمود: عرب از این کار عار دارد و اشکال ندارد.»

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۱۱

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۱۱



توجه شود که در برخی از نسخه های کافی «کانت» وجود ندارد و مجلسی نیز در ملاذ الاخبار^۱ این روایت را بدون لفظ «کانت» نقل کرده است. هم چنین در تهذیب الاحکام که به تحقیق جدید چاپ شده است هم «کانت» وجود ندارد.^۲ مرحوم غفاری نیز در تصحیح تهذیب، این روایت را بدون «کانت» نقل کرده است.^۳ و در حاشیه می نویسد: اگر «کانت» موجود باشد می توان به دو نحوه روایت را معنی کرد: یکی آنکه «إن» را مخففه از مثقله بدانیم و بگوییم اصل روایت چنین بوده است «أنه کانت العرب لتغایر به و لا بأس». اما در تصحیح جدید (دار الحدیث) از کافی، روایت چنین نقل شده است: «ان کانت العرب لتغایر به و لا بأس (به غین منقوطة)».

«تغایر» در مورد «تیوس» گویا ضرب المثلی است چنانکه مرحوم شهید ثانی در بحث حسد در منیة المرید می نویسد: «قال ابن عباس خذوا العلم حیث وجدتموه و لا تقبلوا اقوال الفقهاء بعضهم فی بعض فإنهم يتغایرون کما تتغایر التیوس فی الزریبة (چراگاه)»

مرحوم خویی به اشکال و جوابی پیرامون این روایات اشاره می کنند:

«لا یقال ان النبوی و رواية الجعفریات بنفسهما ظاهران فی الکراهة المصطلحة لاشتمالهما علی ما لیس بمحرم قطعاً، فإنه ذکر المنع فی الجعفریات عن بیع جلود السباع و أجر القاری مع أنهما لیساً بمحرمین جزماً، و فی النبوی نهی عن لبس ثیاب ینسج بالشام مع عدم ثبوت حرمة، علی أن النبوی کمرسلة الصدوق و دعائم الإسلام و المنقول من طرق العامة ضعيفة السند. فإنه یقال إن ثبوت الترخیص فی بعض الأمور المذكورة فیهما بدلیل خارجی لا یوجب ثبوته فی غیره، کیف و قد ثبت فی الشرعية المقدسة استحباب بعض الأغسال کغسل الجمعة و العیدین و غیرهما مع انها ذكرت فی جملة من الروایات فی عداد الأغسال الواجبة کغسل الجنابة و الميت و مس الميت، نعم لم تثبت من تلك الروایات المانعة إلا وثاقة رواية الجعفریات».^۴

جمع بین روایات:

در میان فقها به پنج نحوه روایات مانعه و مجوزه جمع شده اند:

۱. ملاذ الاخبار، ج ۱۰ ص ۳۳۰

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۳۵۵

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۴۰۸

۴. مصباح الفقاهه، ج ۱ ص ۶۱



❖ جمع اول: حمل روایات مانعه بر حرمت تکلیفی و روایت مجوزه بر صحت معامله.^۱

در رد این جمع گفته شده است:

«و أمّا احتمال حمل النهی علی التکلیف المحض و القول بالصحة و ضعا فضعیف جداً، إذ النهی كما مرّ لم يتعلق

بنفس الماء و لا بنفس العمل بل بالثمن أو الأجرة، و مثله يكون ظاهراً في الإرشاد إلى الفساد كما لا يخفى.»^۲

توضیح:

این حمل ضعیف است چراکه نهی به ماء الفحل و به نفس العمل، تعلق نگرفته بلکه به ثمن العمل تعلق گرفته

است و نهی از ثمن العمل، ارشاد دارد به بطلان و فساد.

۱. مصباح الفقاهه، ج ۱ ص ۶۲

۲. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۳۰۷